

مجموعه شعر سحر

نقاشی های برگزیده



مجموعه و سحر پند

نقاشی‌های برگزیده

اشعارت زین یومین

فهرست / صفحه

- زندگینامه / ۶-۷ /
- مژده نور / ۸-۹ /
- نقاشی ایرانی / ۱۰-۱۳ /
- نیایش / ۱۴ / یارب / ۱۵ /
- به سوی نور / ۱۶ / نقشی بر پرده هستی / ۱۷ /
- وساطت / ۱۸ / سرود آفرینش / ۱۹ /
- گل‌های تنهائی، رایحه شادمانی / ۲۰-۲۱ /
- پناه (یتیم نوازی حضرت علی^(ع)) / ۲۲ / امید (خواهد آمد) / ۲۳ /
- پنجمین روز آفرینش / ۲۴-۲۵ /
- در راه ملکوت / ۲۶ / برای زیستن / ۲۷ /
- فراسو / ۲۸ / بی‌گناه / ۲۹ /
- گرمای عشق / ۳۰ / شکوفه های صبحگاهی / ۳۱ /
- تکریم دانش / ۳۲ / ترکیه / ۳۳ /
- حضرت اسماعیل^(ع) / ۳۴ / مولود کعبه / ۳۵ /
- حضرت ابراهیم^(ع) / ۳۶ / ضامن آهو (امام رضا^(ع)) / ۳۷ /
- حافظ / ۳۸ / اولین پیام (غار حرا) / ۳۹ /
- نوای مهر / ۴۰-۴۱ /
- نگاه / ۴۲ / طلوع / ۴۳ /
- منظر خیال / ۴۴ / ستاره صبح / ۴۵ /
- عطر محبت، کلنجار / ۴۶ / آهنگ زندگی / ۴۷ /
- آفاق / ۴۸ / قلندر / ۴۹ /
- نقاشی ایرانی (انگلیسی) / ۵۰-۵۵ /
- رایحه دلنواز / ۵۶-۵۷ /
- زندگینامه (انگلیسی) / ۵۸-۵۹ /

مهارت دیگر استاد در این است که وفاداری به سنت هنری ایران را با شناختی عمیق از هنر معاصر به هم آمیخته و نه تنها میراث عظیم و بنیادین فرهنگی ایران را از یاد نبرده بلکه به حد اشباع از سرچشمه‌های آن نوشیده است تا آثار امروزش شاهدی بر گنجینه‌های دیروزین شوند و بر آن میراث بزرگ بیفزایند.

فدریکو میور

مدیر کل یونسکو

در واقع برای درک بهتر مفاهیم پوشیده در این نقوش آشنایی با عرفان و ادبیات فارسی و اندیشه‌ها و باورهای نهفته در آنها برای بیننده ضروری است. اگرچه کمتر کسانی در میان غیر ایرانیان می‌توانند ادعای چنین الفتی را با منابع فارسی داشته باشند، معهدا یک هنر دوست می‌تواند همچنان تحت نفوذ قدرت زیبایی نقاشیهای فرشچیان قرار گیرد، و استادی و کمال مهارت وی را تحسین کند. او به راستی وارث شایسته یک سنت دیرپای درخشان است.

بازیل رابینسون

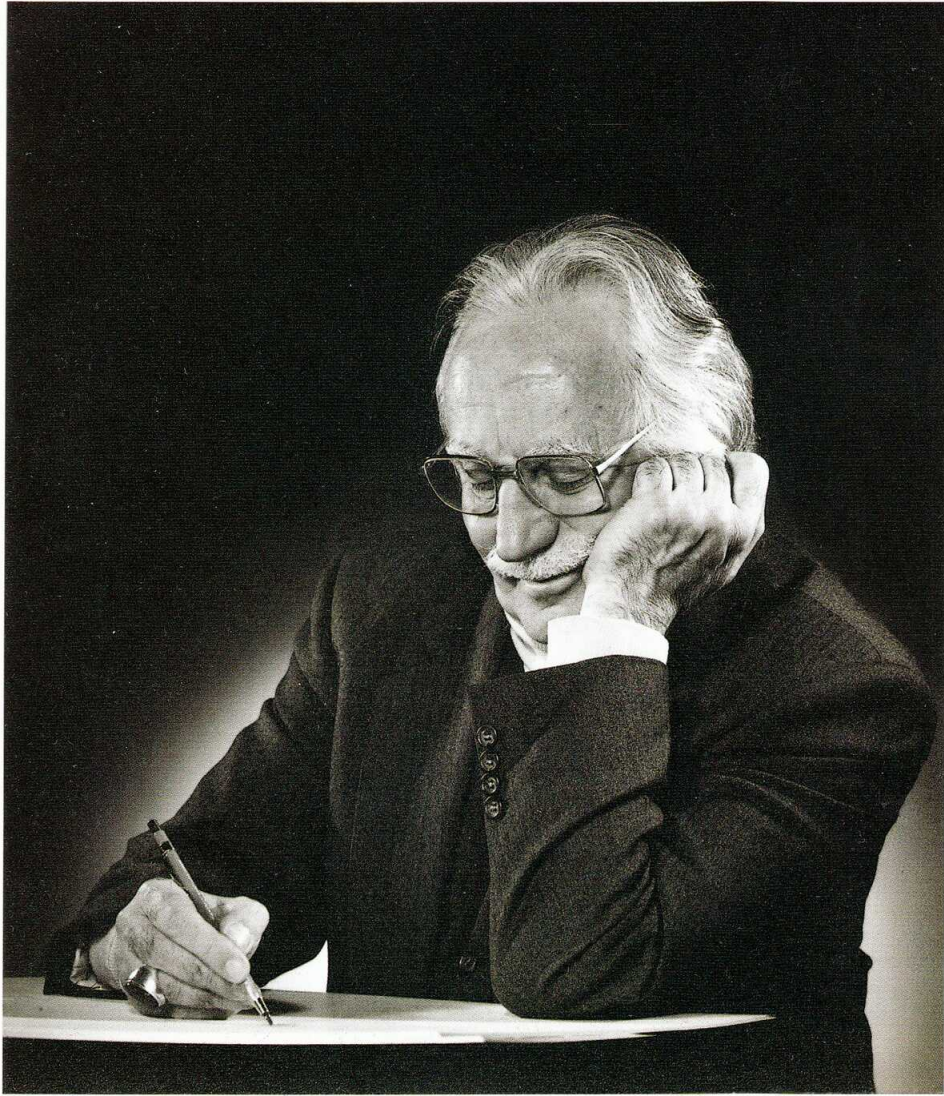
عضو فرهنگستان بریتانیا و سرپرست بخش هنری موزه ویکتوریا آلبرت لندن

محمود فرشچیان و نقاشی‌ها و طراحی‌هایش، با همه پیوندی که با سنت ایرانی دارند، متعلق به این روزگارند. وی استاد پژوهنده‌ای است با احاطه کامل بر گنجینه دیرپای هنر سنتی ایران.

استوارت کری ولش

سرپرست بخش هنرهای اسلامی و هندی موزه ساکلر دانشگاه هاروارد



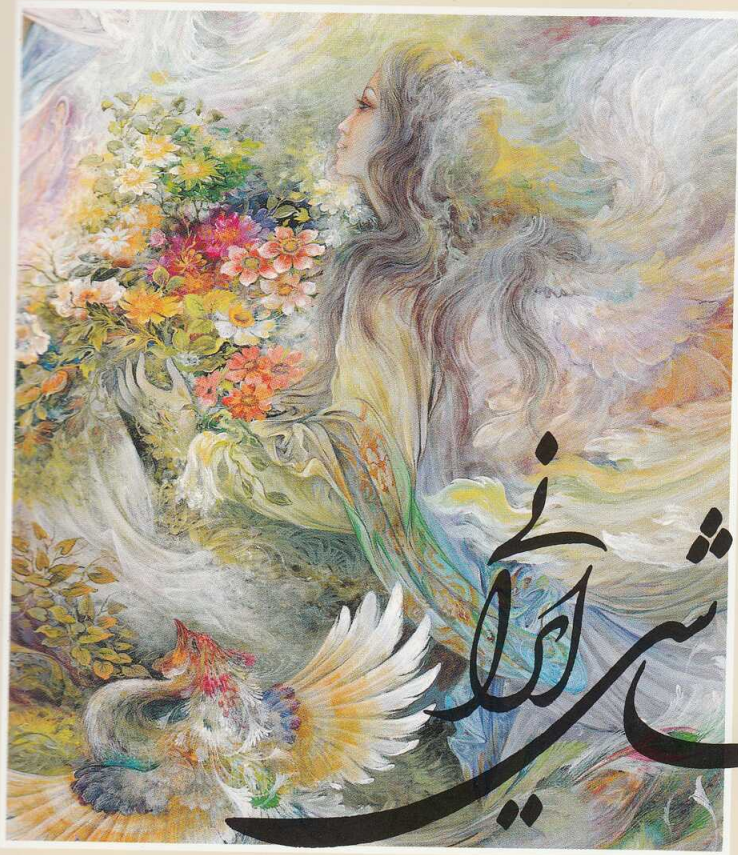


به سال ۱۳۰۸ در اصفهان زاده شد. پدرش بازرگان فرش و فردی هنردوست بود و پدر هنر را در دل فرزند خود کاشت. محمود جوان از نوباوگی به آموزش هنر مشتاق گردید. چندین سال از استادان گرانقدر شهر خود، حاج میرزا آقا امامی و عیسی بهادری، درس می گرفت. پس از به پایان رساندن دوره هنرستان هنرهای زیبای اصفهان به اروپا رفت و به مطالعه آثار نقاشان برجسته مغرب زمین پرداخت و در نتیجه همین مطالعات بود که به رهیافتی تازه از هنر نقاشی با معیارهای جهانی رسید.

پس از بازگشت به ایران کار خود را در اداره کل هنرهای زیبا (وزارت فرهنگ و هنر بعدی) آغاز کرد و پس از مدتی به مدیریت هنرهای ملی و استادی دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران منصوب شد. در این میان با کار و کوشش مداوم و خلق آثار شگفت انگیز، آوازه هنری او در ایران و در فراسوی مرزهای ایران گسترش یافت. آثار استاد در ۵۷ نمایشگاه انفرادی و ۸۶ نمایشگاه گروهی در ایران و اروپا و کشورهای آسیایی و امریکا به نمایش گذاشته شده و با جای گرفتن در موزه ها، مجموعه های معتبر و دریافت یازده نشان هنر از مراکز و مجامع بزرگ هنری و فرهنگی جهان همه جا تحسین و تقدیر هنردوستان و هنرشناسان را برانگیخته است. استاد فرشچیان در نقاشی ایرانی به وجود آورنده سبک و مکتب خاصی است که در عین توجه به اصالت مبانی سنتی این هنر، با ابداع شیوه های نو، قابلیت و کارایی نقاشی ایرانی را برای بیان اندیشه ها و انگیزه ها افزایش داده است. او این هنر را غنا بخشید و از حالت الزامی یک پدیده متکی به شعر و ادبیات و تصویرگری اندیشه و افکار شعرا که غالباً برای تجسم شعر به کار برده می شد رها ساخت و رسالت و تعهدی در حد سایر هنرها در نقاشی ایرانی پدید آورد. نقاشیهای او دارای تخیل بسیار قوی در خلاقیت طرحهای پر حرکت و با قدرت و متنوع سرشار از زیباییها است و رنگ های تابناک و مواجی را در بر گرفته است. و اینها همه از امتیازات خاص هنر اوست. نقاشی های استاد آمیزه دلپذیری است از اصالت و نوآوری. در حالی که وی با خطوط روان و ترکیب بندیهای ظریف و مدور راز و رمزها و اشارات درونی نهفته را در آثار خود به وجود می آورد، در همین حال، با نوآوری در گزینش موضوع و پرداخت اثر به گستره فراتر از قالبهای مرسوم می رسد.

استاد فرشچیان به دعوت دانشگاه ها و مراکز مهم هنری جهان با ایراد سخنرانی و برپایی نمایشگاه ها در بهتر و بیشتر شناساندن هنر ایران به جهانیان نقش بسزایی داشته و تاکنون پنج جلد کتاب، و نشریاتی دیگر، از آثار وی منتشر شده است. موزه استاد محمود فرشچیان، که در سال ۱۳۸۰ در مجموعه فرهنگی و تاریخی سعدآباد تهران به همت سازمان میراث فرهنگی کشور افتتاح شد، یکی از دیگر بناها و افتخارات فرهنگی و هنری ملی ماست که تمامی هنرمندان، هنرشناسان و علاقه مندان به آثار ارزشمند هنری را به خود فرا می خواند.

طراحی ضریح مطهر و منور ثامن الأئمه حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام و عضویت در هیئت اجرائی و نظارت بر ساخت این اثر عظیم، یادمانی است خجسته و شکوهمند در تاریخ فرهنگ و هنر ایران که استاد نامور و فرزانه افتخاراً آن را بر دفتر افتخارات خویش افزوده است.



مژده نوره، ۵۶×۸۱ سانتیمتر، ۱۳۷۵. Tidings of Light, 56x81 cm., 1996.

نقاشی

نقاشی در ایران از زمانی آغاز شد که نخستین انسان های این مرز و بوم به برداشت های عینی خود از طبیعت شکل دادند و نمونه های آن را بر دیواره غارها و بر سفال های کهن می توان دید. این هنر نه تنها دارای ویژگی هایی همانند با نقاشی های دیگر مردمان بدوی جهان است بلکه امتیازاتی خاص خود نیز دارد. آزادی عمل، دامنه گسترده خیال و حرکات نرم خطوط، قلمگیری ها، و درخشش رنگ ها در نقاشگری ایرانی این امکان را به هنرمند می دهد تا با نمایش احساس صادقانه خود به یاری مهارت و قدرتی که در نتیجه سال ها ممارست و کوشش در پنجه های او شکل گرفته است اثری زیبا و شکوهمند پدید بیاورد.

زیبایی که جلوه ای از جمال و کمال ازلی و ابدی الهی است، و از دیرباز مورد ستایش هنرمندان بوده است، در همه عناصر نقاشی ایرانی از جزئیات گرفته تا ترکیب کلی حضور دارد و نگارگر ایرانی توانسته است بازیافت های ذهنی و مسائل مورد نظر خود را به یاری زیبایی دلپذیرتر ارائه دهد به طوری که نگرنده نقشی از خود را در فضای شناخت ها و یافت های هنرمند احساس کند.

عشق و علاقه به زیبایی‌های طبیعت، نقاش ایرانی را بر آن داشت که در نمودهای خود اغلب دیدگاهی همیشه بهار را ارائه کند: گل و برگ و سبزه‌های باطراوتی که در اثر پراکنده اند نه تنها با زیبایی خود کیفیتی زینت بخش به آن می‌دهند بلکه میان عناصر مختلف اثر ارتباط برقرار کرده و احساسی از تعادل به اثر می‌بخشند.

نقاش هنرور باید که از فلسفه روانی انسان‌ها و ماهیت و کیفیت اشیاء و جانداران و گیاهان علم و آگاهی داشته باشد تا بتواند با دستی به رهبری عقل و عقلی در اختیار احساس و اندیشه، محسوسات خود را با برداشت‌هایی که از طبیعت دارد در صافی ضمیر بیالاید، و به کمک اصول دقیق و حساس ویژه این هنر به آسانی طراحی و ترسیم نماید.

محتوی و فرم در نقاشی ایرانی چنان لازم و ملزوم یکدیگرند که یک اثر هنری عاری از محتوی و مضمون بیننده را به جهان تفکر و اندیشه رهنمون نمی‌شود و صرفاً حالتی تزئینی می‌یابد. و فرم اگر به جای خود دلنواز و گیرا نباشد آن اثر فاقد کشش و جاذبه مطلوبی خواهد بود که پیام محتوی را در گوش جان تماشاگر زمزمه کند.

نگارگر ایرانی در شناخت و به کارگیری و آستی بخشیدن رنگ‌های متضاد جراتی خاص دارد و می‌تواند چند رنگ متفاوت را در یک اثر همساز و هم‌نواز کند و آنها را در فضای محدود طرح، از شخصیت و گسترش و ترکیبی خوشایند بهره‌مند سازد، چنانکه رنگ‌ها در همه جای اثر به نواختی متعادل جلوه‌گر شوند، رنگ‌هایی که از معادن و کوه‌های همین سرزمین نشأت یافته و اغلب از ثباتی جاودانه برخوردارند.

موسیقی رنگ و رقص خطوط می‌توانند تابی نهایت تغییر شکل یافته و جنب و جوش موضوع را با متانتی ستودنی پاس دارند و در یک ترکیب بندی مدور و پرحرکت نگاه را از پیرامون صحنه به میان متن و دوباره از میان به پیرامون برند و بازگردانند، هر چند که خطوط با حرکات زیبا و نرم و درهم آمیخته خود به تنهایی می‌توانند بی‌نیاز از زیب و زیورهای پرفروغ رنگ، بیانگر بسیاری حرف‌های گفتنی باشند. لیکن طرح یک اثر هر اندازه از جلوه و جلای رنگ سرشار شود باز از جداسازی حد و مرزها و قلمگیری با خطوطی محکم، سیال، بی‌لرزش، زنده و چشم‌نواز بی‌نیاز نخواهد بود.

با توجه به تأثیرات نور و تابندگی آفتاب مشرق زمین، در گذشته‌های دور که تجلیات عرفان ذهن هنرمند ایرانی را روشنی می‌بخشید و در نظر او تمام مظاهر و نمودهای هستی در فضایی روحانی مستغرق انوار الهی بود، هنرمند در آنچه‌چنان فضای تابناکی اعتقاد یافت که غبار سایه‌ها را بر روشنایی دستاوردهای خود نشانند،

و به دستیاری پرمایگی و ظرافت خطوط، حجم و تأثیرات نور و سایه را فرا یاد آورد؛ در آنجا که نقشبند انحناء اشیاء است و سایه و روشن میدان حرکت بیشتری دارد از خط‌هایی ضخیم تریاری گیرد و در آنجا که بازتاب نور در سطح مستقیم است خطوطی نازک تر را به کار گیرد.

جامه‌ها و عناصر تزئینی در اثر وسیله‌ای برای بهتر نمایاندن طرح و مفاهیم مورد نظر هنرمند است، چنانکه به مقتضای کیفیت حرکات طرح اصلی لباس‌ها تغییر شکل می‌دهند تا پوششی فراخور انحنای اندام‌ها و موجبی برای خوشایندی هر چه بیشتر فرم‌ها و بازنمای گویاتری از محتوی گردند، و حالت خطوط چین و شکن ساز لباس‌هاست که باعث ارائه بهتر طرح و تداعی حجم می‌شود.

پرسپکتیو هندسی فضایی مادّی و دیداری به اثر می‌دهد و نقاش ایرانی، رها از بعد مسافت آن را آگاهانه به کار نگرفت، بدان جهت که موجب درهم فشرده شدن شکل طرح‌ها در یکدیگر می‌شود (با اینکه نوعی پرسپکتیو حسّی و ذهنی را می‌توان در نقاشی‌های ایرانی مشاهده کرد)؛ بر عکس آنچه مورد نظر نقاش ایرانی بود ارائه نقش هر شیء در ورای ظواهر و در حدّ کمال خود، و نمایش هر مسئله و موضوع در حدّ اوج و حساس‌ترین لحظات آن بود. هنرمند ایرانی بر آن شد که از قید واقعیات گذشته، طبیعت را به صورت ماوراءالطبیعه بیاراید و نقش ساز حقیقت اشیاء باشد نه طبیعت ظاهری آن، تا بتواند با ضوابطی فلسفی و معنوی کیفیتی عارفانه و روحانی در اثر به وجود بیاورد. و همین خط جداکننده هنر ایرانی از نقاشی چین است؛ چرا که هنرمندان آن دیار غایت هنر را در بهتر نشان دادن طبیعت و نموده‌های عینی می‌دانند در صورتی که نقاش ایرانی اندیشه و خیال خود را رهنمون عالم بیکران ملکوت کرده است.

ظرافت و ریزه‌نگاری و نقطه‌پردازی که برای زیبا ساختن هر چه بیشتر اثر به کار می‌رود در مکاتب مختلف نقاشی مشرق زمین و نیز ایران سابقه‌ای کم‌وبیش طولانی دارد. با توجه به اینکه انسان‌ها در این بخش از جهان در ابراز محبت و روابط عاطفی خود با نازک‌اندیشی خاصی عمل می‌کنند، این روحیه در کار هنرمندان درون‌گرا و وارسته این نواحی تأثیر گذاشته و آنان را بر آن داشته است تا با دقت و ریاضت زاهدانه گذشت زمان را نادیده بگیرند و در خلق و تکامل آثار خود از هیچ نکته‌ای فرو گذار نکنند.

نقوش ختایی و اسلیمی که پایه و اساس آنها را غنچه و گل و برگ و شاخه‌های درختان و حیوانات تشکیل می‌دهند و در دست هنرمند ایرانی به روشی هوشمندانه دگرگون شده و تغییر شکل یافته‌اند، و همچنین تذهیب در نقاشی ایرانی نقش بسزا دارند؛ علاوه بر اینکه هر کدام به تنهایی هویت مشخص ایرانی دارند،

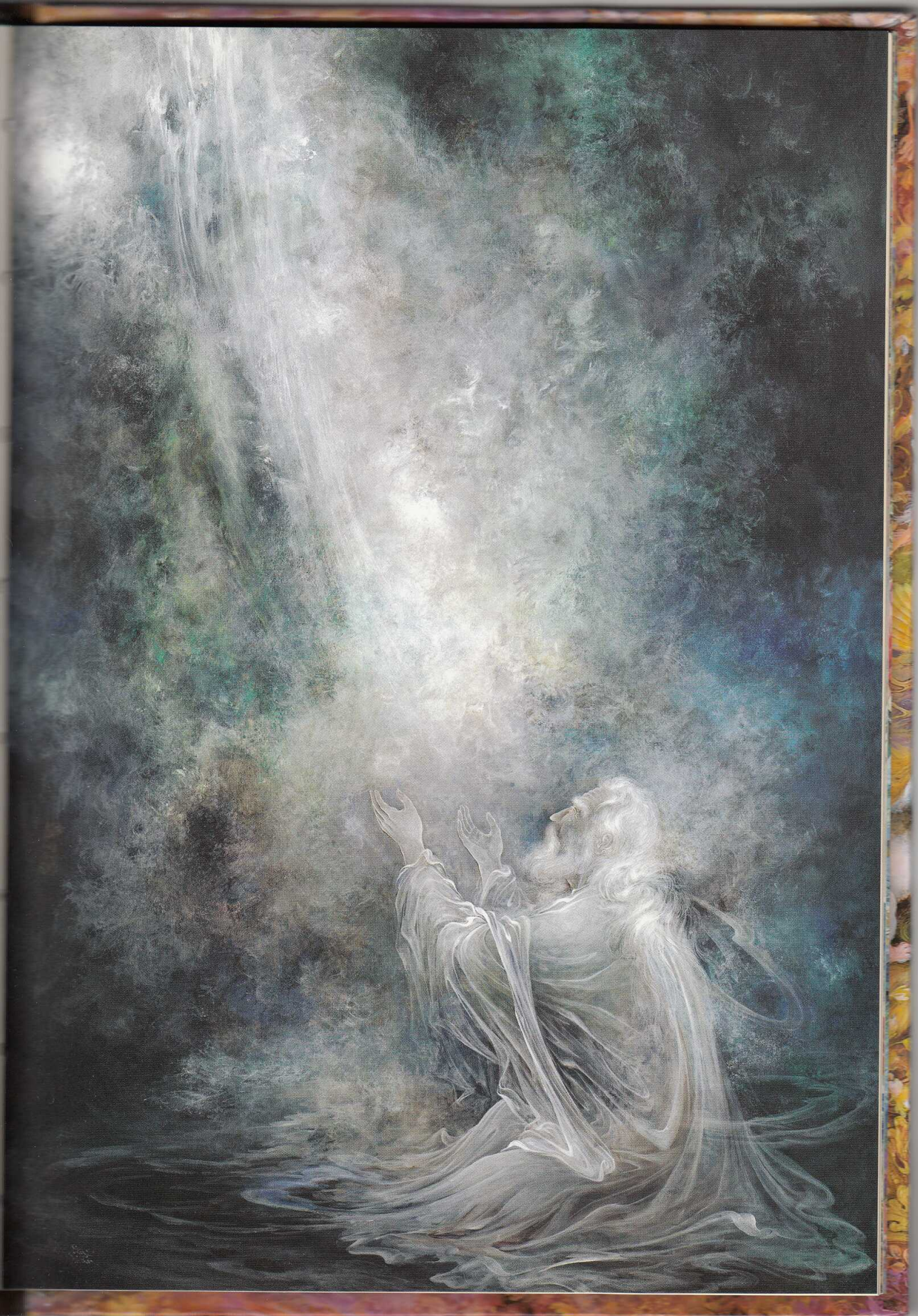


وسیله ای برای تزئین و به جلوه در آوردن هر چه بیشتر نقاشی هستند. از این رو یک هنرور آگاه ایرانی باید در ساخت و پرداخت انواع هنرهای تزئینی نیز توانا باشد. خط و نوشتار در زمان های مختلف مراحل متفاوتی را گذرانده اند. سال ها نقاشی نمایانگر اندیشه و تفکر شعرا، داستان سرایان و نویسندگان و زینت بخش کتاب ها شد، مخصوصاً در آن زمان که به سبب موانع خاصی هنر نقاشی در لابلای صفحات کتاب جلوه گاه مناسب تری برای خود می یافت. ولی نگارگر خود را به محدوده فضای بسته جدول و درون متن کتاب مقید نمی نمود؛ نقوش در حواشی پیش رفتند، سروها سرکشیدند و ستیغ کوه ها حاشیه را شکافتند! ابرهای در برگیرنده کوه ها به اطراف پراکنده شدند و پرندگان در حاشیه ها و متن به پرواز درآمدند نقش آرا گشتند، تا بدانجا که خوشایندی شعر و نوشته در آمیزش با جلوه گری نقش و جلای رنگ ها اوج افزون تری یافت. و زمانی شعر و نوشته آذین بخش اطراف مرقعات و پرده های بزرگ نقاشی شد که همچون نقوش ختایی و اسلیمی در قاب ها و اکیلی و ترنج ها جای گرفت. همین انس و الفت دیر پای نقاشی ایرانی با ادبیات سبب شد که حال و هوایی رویایی و شاعرانه در فضای این هنر به وجود آید.

تواضع و فروتنی در برابر شکوه و عظمت جهان آفرینش یکی از ویژگی های روحی هنرمند ایرانی بوده است، و با اینکه بلند پروازی و جولان اندیشه را راه دستیابی به حجاب های غیب نبوده و نیست، طبعاً هر انسانی در آن فراختای عظیم بیشتر جستجو کند خود را فروتر احساس می کند، تا بدانجا که بسیاری از هنرمندان از رقم نمودن آثار خویش احتراز جسته یا اسم خود را با ایهام و اشاره در طرازی از نام بزرگان دین زینت بخش اثر می کردند.

نقاش ایرانی بیش از آنکه به طبیعت مأنوس و وابسته باشد، دلپسته گسترش اندیشه و عالم نامحسوس است که بی نهایت خیال را به حالتی دلپذیر تجلی و شکل می دهد و هنرمند برای اینکه تحولات رنگارنگ زندگی مادی یارای دستیازی به دنیای او را پیدا نکند برای نموده های خود معنویتری فراتر از عوامل زندگی گذرا قایل می شود. زیرا آن هنر ماندگار و جاوید است که به مفاهیم انسانی و کلی وفادار باشد.

محمود فرشچیان





یارب، ۳۵×۵۰ سانتیمتر، ۱۳۷۳

Oh, God, 35x50 cm., 1994.

تأییش، ۵۶×۸۱ سانتیمتر، ۱۳۷۶.

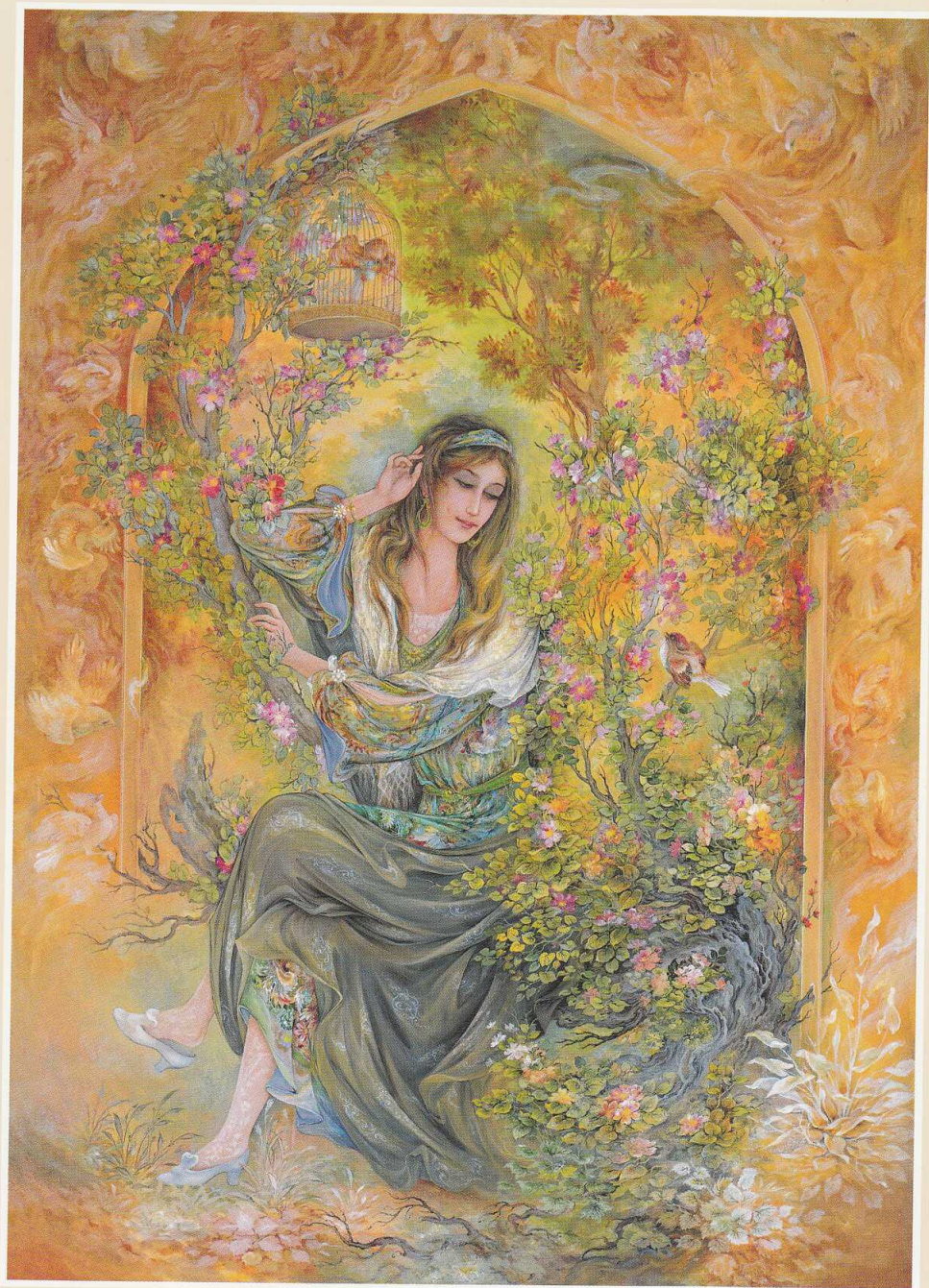
Worship, 56x81 cm., 1997.



به سوی نور، ۶۵×۸۱ سانتیمتر، ۱۳۶۹. Heavenly Attraction, 65x81 cm., 1990.



نقشی بر پرده هستی، ۵۱×۸۱ سانتیمتر، ۱۳۷۲. An Image of Life, 51x81 cm., 1993.



←
سرود آفرینش (تواضع در برابر استاد)، ۵۱×۷۹ سانتیمتر، ۱۳۶۷.
Homage to the Master, 51x79 cm., 1988.

وساطت، ۵۶×۸۱ سانتیمتر، ۱۳۷۸.
Mediation, 56x81 cm., 1999.



Flowers of Solitude, 76x101 cm., 1988.



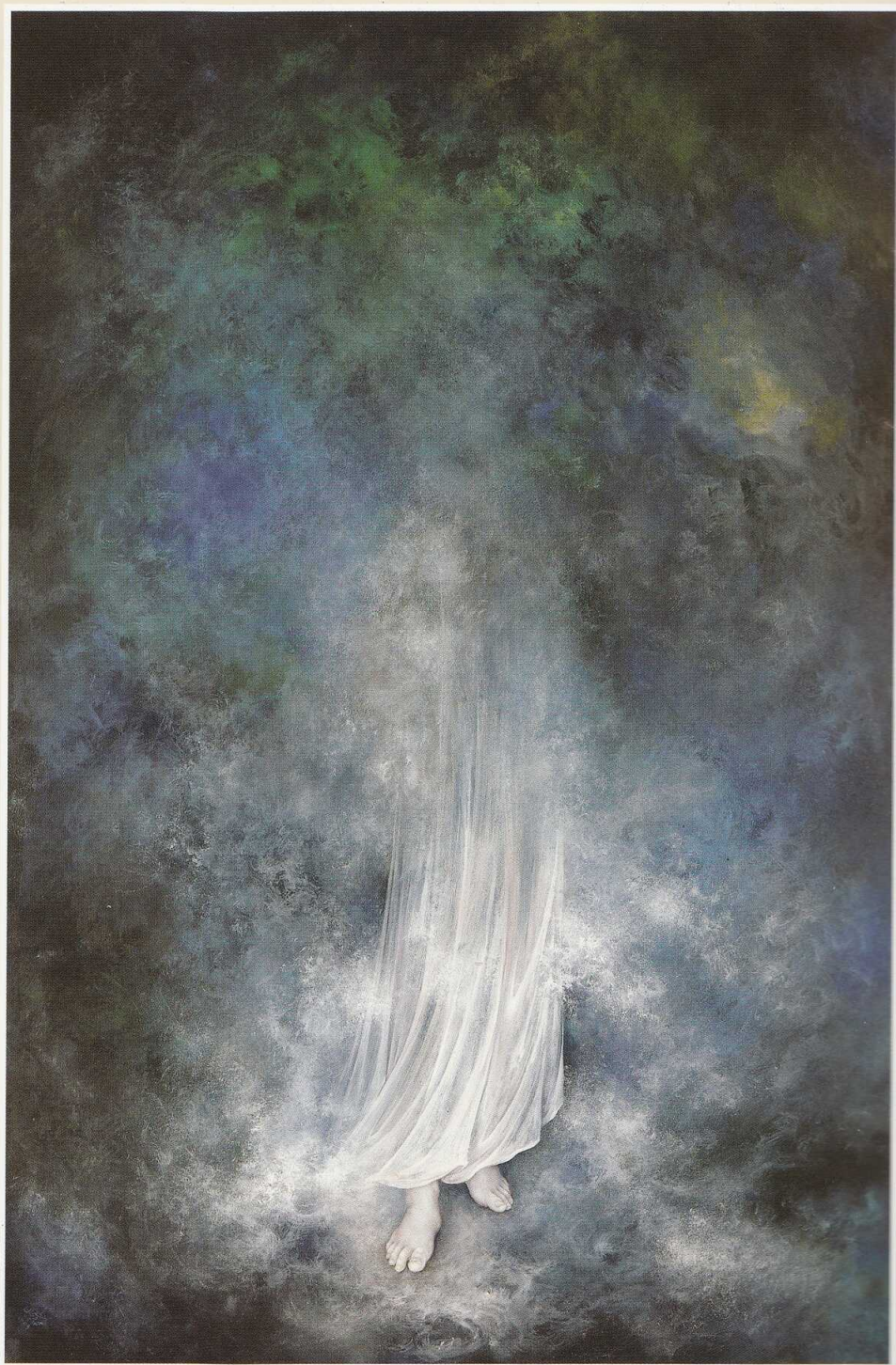
Fragrance of Joy, 76x101 cm., 1988.







پناه (Shelter) نوازی حضرت علی (ع)، ۷۷ × ۴۸ سانتیمتر، ۱۳۵۶.
Shelter, 49x73 cm., 1977.



آیدین زاده، امید (دو امید)، ۱۳۶۸
Both of Hope, 65x81 cm., 1990.



در راه ملکوت، ۸۱ × ۶۰ سانتیمتر، ۱۳۷۴.
On the Way of Heaven, 60x81 cm., 1998.

→
پنجمین روز آفرینش، ۸۱ × ۵۶ سانتیمتر، ۱۳۶۹.
Fifth Day of Creation, 56x81 cm., 1990.



برای زیستن، ۵۶×۸۲ سانتیمتر، ۱۳۷۳.

To live, 56x82 cm., 1994





فراسو، ۸۱ × ۵۶ سانتیمتر، ۱۳۶۸.

The World Beyond,
56x81 cm., 1989.

فراسو، ۸۱ × ۵۱ سانتیمتر، ۱۳۶۵.

Innocence, 51x81 cm., 1986.

گرمای عشق، ۸۰×۵۸ سانتیمتر، ۱۳۷۸.
The Warmth of Love, 58x80 cm., 2000.



← شکوفه های صبحگاهی، ۷۶×۵۱ سانتیمتر، ۱۳۶۵.
Morning Blossoms, 51x76 cm., 1986.



تکریم دانش،
۵۱×۸۱ سانتیمتر، ۱۳۷۲.
Celebration of Learning,
51x81 cm., 1993.
→



←
تزکیه،
۵۶×۸۱ سانتیمتر، ۱۳۶۸.
Salvation,
56x81 cm., 1989.





←
مولود کعبه، ۵۶×۸۱ سانتیمتر، ۱۳۷۴.
The Newborn of Ka'ba, 56x81 cm., 1995.

حضرت اسماعیل^(ع)، ۸۱×۱۰۲ سانتیمتر، ۱۳۷۶.
The Prophet Ishmael, 81x102 cm., 1997.



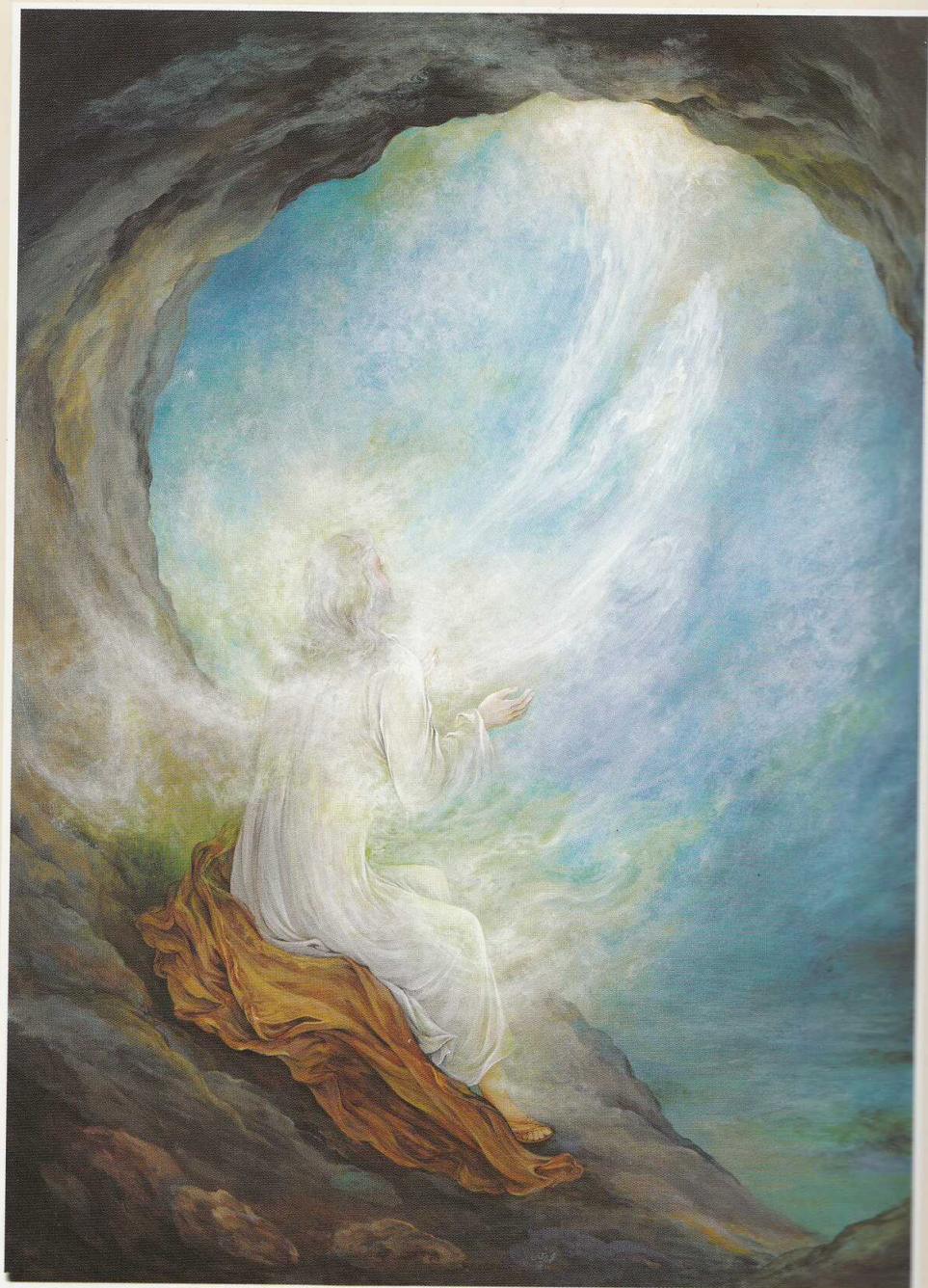


←
ضامن آهو (امام رضا^(ع))، ۱۰۱ × ۷۲ سانتیمتر، ۱۳۵۸.
The Guarantor of the Gazelle, 72x101 cm., 1979.

حضرت ابراهیم^(ع)، ۱۰۲ × ۷۱ سانتیمتر، ۱۳۷۳.
The Prophet Abraham, 71x102 cm., 1994.







اولین پیام (غار حرا)، ۵۶×۸۱ سانتیمتر، ۱۳۷۷.
The First Revelation, 56x81 cm., 1998.

حافظ، ۴۶×۶۵ سانتیمتر، ۱۳۷۴.
The Poet Hafez, 46x65 cm., 1995.



طلوع، ۴۷×۶۲ سانتیمتر، ۱۳۶۵.
To Be Alive, 47x62 cm., 1986.

نگاه، ۵۱×۷۳ سانتیمتر، ۱۳۶۲.
Gaze, 51x73 cm., 1983. ↑

نوای مهر، ۵۸×۸۰ سانتیمتر، ۱۳۷۸.
The Music of Love, 58x80 cm., 2000. →



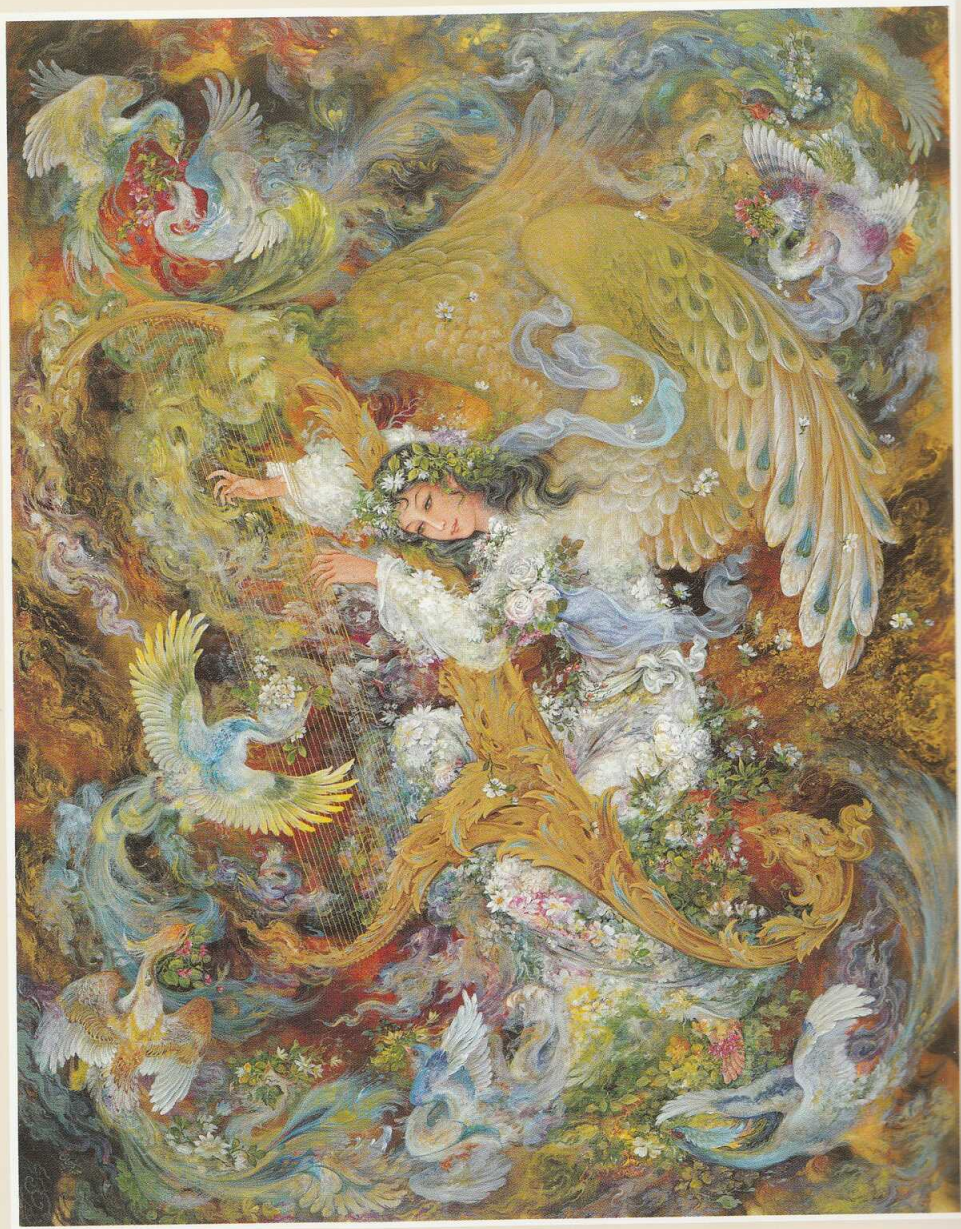
منظر خیال، ۴۸×۷۴ سانتیمتر، ۱۳۶۳. 1984. Creature of Dreams, 48x74 cm., 1984.





Морнинг Стар, 51x81 см., 1900. Айферийе, Azərbaycan Respublikası





عطر محبت، ۸۱ × ۵۰ سانتیمتر، ۱۳۷۷.
Fragrance of Affection, 50x81 cm., 1998.

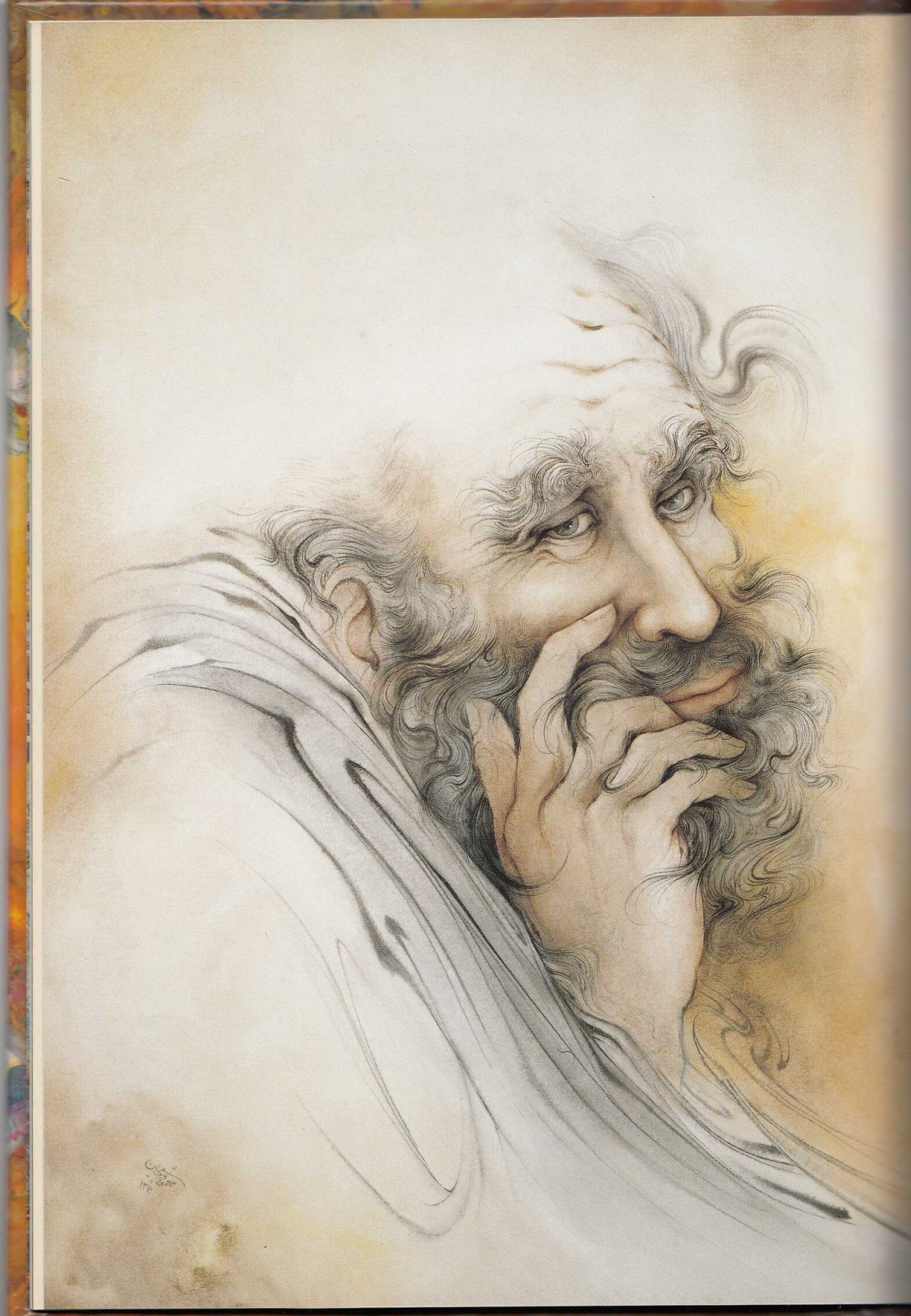
کلنجار، ۴۶ × ۶۶ سانتیمتر، ۱۳۶۷.
At war, 46x66 cm., 1988.

آهنگ زندگی، ۷۱ × ۵۶ سانتیمتر، ۱۳۶۴.
Sound of Creation, 56x71 cm., 1985.



←
قلندر، ۵۶×۸۱ سانتیمتر، ۱۳۷۱.
The Sufi, 56x81 cm., 1992.

آفاق، ۳۶×۴۶ سانتیمتر، ۱۳۷۴.
Horizons, 36x46 cm., 1995.



Small handwritten signature or mark in the bottom left corner of the drawing.

This is another stroke of the master's skill: he faithfully incorporates tradition and at the same time firmly aims to be contemporary. Mahmoud Farshchian relinquishes none of the cultural recollection of his Iranian origins that is so basic to his art - one is tempted to say, at the root of his art. Rather, he seems to have fed on his culture to the point of satiety, so that his contemporary creations can bear witness to it. For he adds his vision of the present to this most eloquent of heritages.

Federico Mayor

Director-General of UNESCO

Ideally, in fact, one requires a familiarity with Persian mystical verse and an understanding of the thoughts and beliefs behind it in order to gauge their real significance. Few Europeans can claim such insight, but the ordinary western art-lover can still feel and enjoy the aesthetic impact and admire the technical perfection of Mr. Farshchian's painting. He is indeed a worthy latter-day inheritor of a long and illustrious tradition.

B. W. Robinson

Fellow of British Academy
Curator of Victoria & Albert Museum, London

Mahmoud Farshchian and his paintings and drawings, however, are of our time, albeit rooted in Persian tradition. He is "scholar artist" well versed in the classical Persian repertoire.

Stuart Cary Welch

Curator of Islamic and Late Indian Art,
Sackler Museum, Harvard University



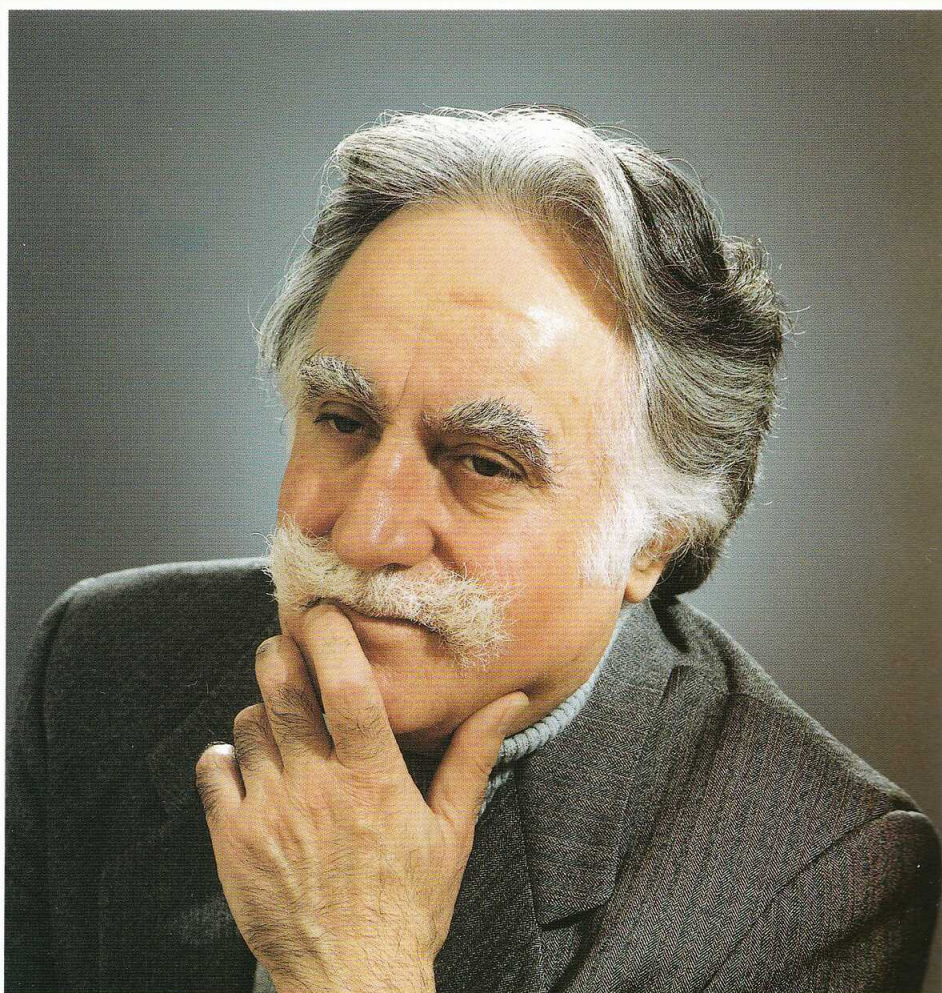
boundaries reserved for his work; figures and motifs broke into the margins, cypress trees pierced the top, cloud bands clinging to mountain peaks were scattered about, and birds flew all over the page, adding a decorative touch of their own to the work. The interaction of the text and the illustration was carried forth to the degree of happy marriage, where one aided the effectiveness of the other and vice versa. And then came a time when apt lines of poetry were placed in panels and cartouches somewhat like floral scrolls that are found in medallions of spandrels in and around paintings that are destined to be viewed individually or placed in an album. This age-old association of painting with letters has helped to create a dreamlike and poetic atmosphere in paintings.



Humility has always been a characteristic trait of the Persian artist, especially whenever he finds himself face to face with the magnitude and splendour of the universe. Ambition and flights of fancy have never been the shortest course to the Hidden Truth, and seekers of this truth have always realized their own insignificance the harder and longer that they have searched the boundless length and breadth of the universe. That is why many artists refrain from signing their work, or hide their identity in a phrase or line of poetry that refers to the Holy Prophet or to one of the Imams.

The Persian artist is attached to the Hidden World more than the familiar environment immediately around him. He is bent on expanding his ideas, and on giving shape to what his imagination can perceive in the infinite universe. In order to safeguard his work from the corrupting influence of materialistic day-to-day living, he values spirituality above everything else, including the requirements of his transient life. Only that art survives forever which is true and loyal to universal and human concept

Mahmoud Farshchian



Ostad Mahmud Farschiān was born in the city of Esfahān in the year 1929. His father, a rug merchant, was an art aficionado who instilled a love for the arts in his son. Young Mahmud showed an interest in studying art quite early in life and studied under the tutelage of Hāji Mirzā-Aghā Emāmi and Isā Bahādori for several years. After receiving his diploma from the Esfahān High School for the Fine Arts, Farschiān left for Europe, where he studied the works of the great western masters. Consequently, he developed an innovative artistic style with universal appeal. Upon his return to Iran, he began to work at the National

*In the name of Allāh
the Merciful, the Compassionate*

Mahmoud
Farshchian
Selected Paintings

Zarrin-o-Simin Books



اشعارت نرین یسین

Mahmoud
Farshchian
Selected Paintings

شاپک: ۸-۰۶-۷۶۷۹-۹۶۲

ISBN : 964-7679-06-8